

بسم الله الرحمن الرحيم



# سفرنامه ویلسون

در جنوب غربی ایران

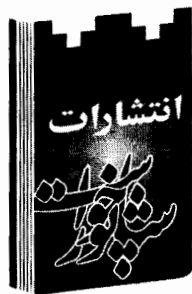
آرنولد تالبوت ویلسون

ترجمه و حواشی

علی محمد ساکی

به کوشش

فریبرز ساکی مهر

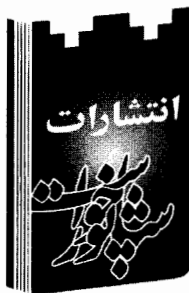


خرم آباد

انتشارات شاپورخواست

۱۳۹۴

|                      |                                                                                             |
|----------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه              | ویلسون، آرنولد تالبوت، ۱۸۸۴ - ۱۹۴۰ م. Wilson, Arnold Talbot                                 |
| عنوان و نام پدیدآور  | سفرنامه ویلسون / آرنولد تالبوت ویلسون؛ ترجمه و حواشی علی محمد ساکی؛ به کوشش فریبرز ساکی مهر |
| مشخصات نشر           | خرم آباد، انتشارات شاپورخواست، ۱۳۹۳.                                                        |
| مشخصات ظاهری         | ۵۳۵ ص: مصور.                                                                                |
| شابک                 | ISBN: 978 - 600 - 260 - 166 - 7                                                             |
| وضعیت فهرست‌نویسی    | فیپا.                                                                                       |
| یادداشت              | S.w Persia: letters&diary of a young political officer 1907-1914                            |
| یادداشت              | کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت، ترجمه و منتشر شده است:             |
| عنوان دیگر           | سفرنامه ویلسون                                                                              |
| موضوع                | سفرنامه‌ها                                                                                  |
| موضوع                | ایران - سیر و سیاحت - قرن ۱۳ ق.                                                             |
| شناسه افزوده         | ساکی، علی محمد، ۱۳۱۴ - ۱۳۷۳. مترجم                                                          |
| شناسه افزوده         | ساکی مهر، فریبرز، ۱۳۲۹. گردآورنده.                                                          |
| رده‌بندی کنگره       | DSR ۱۴۵۸ / ۵ / ۹ و ۷ ۱۳۹۳                                                                   |
| رده‌بندی دیوبی       | ۹۵۵/۰۸۷۰۴                                                                                   |
| شماره کتاب‌شناسی ملی | ۳۶۰۱۱۶۹                                                                                     |



## سفرنامه ویلسون در جنوب غربی ایران آرنولد تالبوت ویلسون

### ترجمه و حواشی: علی محمد ساکی

به کوشش: فریبرز ساکی مهر

ناشر و محل نشر: انتشارات شاپورخواست، خرم‌آباد - همراه: ۰۹۱۶۳۹۸۴۰۱۱

شمار: ۱۰۰۰ نسخه - نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴.

آمور رایانه‌ای: صدیقه صیادبیرانوند، لیلا صیادبیرانوند - طرح جلد: سهیمه اسدزاده

لیتوگرافی: آفتاب - چاپ: زیتون

شابک: ۷ - ۱۶۶ - ۲۶۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

بر حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

بها: ۳۰۰۰۰ تومان

پسرم!

در صحنه‌ی نبرد، پدر را به یاد آور و اسوه‌ی خویش قرار ده.

در اردوگاه بردباری و در آوردگاه، دلیری پیشه کن! و از مواهب زندگی به چیزی مسرت‌زاتر از آنچه پدرت فراچنگ آورد مجذوب مشو!

و در آن زمان که دوران شکوفایی‌ات فرا می‌رسد، به تن خویش در هنگام تنازع بقاء مبارزه آغاز می‌کنی، منزلت پدر را از یاد مبر و بر آن باش که شایستگی خود را نمایان سازی.

در عرصه‌ی رزم پرآوازه باش و دیگران را مسلم ساز که یادگار آن پدر و مادری.

(از کتاب نه ئیدس ویرژیل، متولد سال ۷۰ ق. م)



## فهرست

| صفحه | عنوان               |
|------|---------------------|
| ۱۱   | مقدمه‌ی مؤلف .....  |
| ۱۷   | مقدمه‌ی مترجم ..... |

### فصل یکم

(سال ۱۹۰۷)

|    |                                     |
|----|-------------------------------------|
| ۲۱ | انجام وظایف نظامی در هندوستان ..... |
| ۲۲ | سفری به ایران .....                 |
| ۳۸ | مراجعت به هندوستان .....            |
| ۴۶ | مأموریت به ایران .....              |

### فصل دوم

(سال ۱۹۰۸)

|    |                                                           |
|----|-----------------------------------------------------------|
| ۵۱ | در سرزمین‌های نفت‌خیز آینده .....                         |
| ۵۱ | نقشه‌برداری در خوزستان و بختیاری و کوه‌های کهکیلویه ..... |

### فصل سوم

(سال ۱۹۰۹)

|     |                                                           |
|-----|-----------------------------------------------------------|
| ۱۵۳ | کشف نفت در مسجدسلیمان .....                               |
| ۱۷۷ | ملاقات با سِر ویلیام ویلکاکس (Sir Willam willcocks) ..... |

### فصل چهارم

(سال ۱۹۱۰)

|     |                                                 |
|-----|-------------------------------------------------|
| ۲۰۳ | سرزمین‌های نفت‌خیز .....                        |
| ۲۰۵ | نقشه‌برداری و گزارش .....                       |
| ۲۲۹ | ملاقات با سِر جان جکسن (Sir gohn gackson) ..... |

فصل پنجم

(سال ۱۹۱۱)

۲۳۳ ..... بررسی و مطالعه‌ی مقدماتی راه‌آهن لرستان

فصل ششم

(سال ۱۹۱۱- از آگوست تا دسامبر)

۲۹۹ ..... بررسی مقدماتی راه‌آهن ایالت فارس

۳۲۹ ..... حرکت در معیت گروه‌های نظامی هندی از بوشهر به اصفهان

فصل هفتم

(سال ۱۹۱۲)

۳۳۷ ..... از اصفهان به اهواز

۳۶۱ ..... مسأله‌ی قاچاق اسلحه در مسقط

۳۶۲ ..... موضوع مرزهای ایران و ترکیه (توضیحات متن)

فصل هشتم

(از ماه ژوئیه تا آگوست سال ۱۹۱۳)

۳۷۳ ..... مرخصی و حرکت به انگلستان

۳۸۸ ..... آتش‌افروز کشتی

۳۹۵ ..... مسافرت به تهران و استانبول از طریق تفلیس و باکو

فصل نهم

(سپتامبر تا دسامبر سال ۱۹۱۳)

۳۹۷ ..... بازگشت به لرستان

فصل دهم

(دسامبر ۱۹۱۳- اکتبر ۱۹۱۴)

۴۵۱ ..... میله‌گذاری مرزهای ایران و ترکیه

فصل یازدهم

۴۹۵ ..... مسافرت از راه آرارات به بصره

۵۰۵ ..... نمایه اشخاص

۵۱۹ ..... نمایه جای‌ها و اقوام

متن انگلیسی "سفرنامه‌ی ویلسون" را یکی از دوستان شادروان علی‌محمد ساکی به نام آقای "دیوید" از دانشگاه آکسفورد برایش فرستاد. بعد از ترجمه‌ی کتاب‌های خانم فریا استارک، کریم‌خان زند و قلاع حشاشین، سفرنامه‌ی ویلسون را ترجمه کردند، اما اتمام این کار مصادف با سال‌های بیماری و متعاقب آن مرگ نابه‌هنگامش شد و کتاب چاپ نگردید. در جابه‌جایی‌های اجباری به دلیل استیجاری بودن منزل آن مرحوم متن ترجمه‌شده مفقود شد. البته کپی دست‌نوشته‌ها و متن انگلیسی آن که در تصحیح و تکمیل کتاب از آن استفاده شد، نزد این‌جانب موجود بود. در سال‌های گذشته آقای مجید کریم‌پور چاپ و نشر کار را متقبل شدند اما علی‌رغم حروف‌نگاری یک‌سوم از آن منصرف گردیدند.

در زمستان ۱۳۹۲، فرهنگی فرهیخته جناب آقای "سیدیدالله ستوده" مدیریت محترم مؤسسه انتشارات شاپورخواست کار چاپ و نشر کتاب حاضر را بر عهده گرفتند. مشارالیه علاوه بر هزینه‌های مادی با گشاده‌دستی ضمن مساعدت از مجموعه عکس‌ها و اسناد با ارزششان در تکمیل کار یاری‌گر این‌جانب بوده‌اند، که بدین‌وسیله ضمن قدردانی از ایشان و کارکنان شریف آن مؤسسه، توفیق همگی را از خداوند منان آرزو مندم.

فریبرز ساکی‌مهر

S.W. PERSIA  
*Letters and Diary of  
a Young Political Officer  
1907-1914*

To:

Mr. Saki, Mayor of Khorramabad,

with many thanks for his  
generous and constant help — and  
friendship during my fieldwork  
in Lorestan in 1976 and 1977.

This book is a small acknowledgement  
of the obligation which I owe him.

David Bradshaw  
St. Peter's College  
Oxford.  
24 January 1978

به نظرم برای آدمی راهی بهتر از آن وجود ندارد که از حاصل کار خویش خوشحال و مسرور باشد، زیرا کار هر کس نصیبی است که از زندگی دارد، هیچ کس نمی تواند آدمی را دوباره به جهان برگرداند تا آنچه را که بعداً واقع خواهد شد، ببیند.

(از کتاب جامعه، فصل سوم، آیه ی ۲۲)

### مقدمه ی مؤلف

کتاب حاضر تاریخچه ی زندگی من و حاوی مطالبی است که در خلال سال های ۱۹۰۷-۱۹۱۴ اتفاق افتاده است. در این سال ها من در جنوب غربی ایران به سر برده ام. در طی این مدت دو مرتبه از این سرزمین خارج شدم و به میهنم انگلستان بازگشتم و چند ماهی هم در پادگان نظامی محل خدمتم در هندوستان اقامت داشتم. سال های یادشده منبع اصلی اوج گیری دوران فعالیت های عظیم دیپلماسی است. اولین حرکت بزرگ سیاسی امضاء موافقت نامه ی سال ۱۹۰۴ دولت های بریتانیای کبیر و فرانسه و دومی انعقاد قرارداد سال ۱۹۰۷ میان دولت های روسیه و انگلستان و سرانجام اشتعال نائره ی جنگ بزرگ جهانی در سال ۱۹۱۴ است.

نخستین باری که به ایران سفر کردم دارای درجه ی ستوانی بودم و شماره ی سنین عمرم به بیست و سه سال نمی رسید، اما روزی که در جنگ بین الملل شرکت جستم دارای درجه ی سروانی و اندکی بیش از سی سال از عمرم می گذشت. از سن ۱۸ سالگی که وارد دانشکده ی نظامی "سنت هرست" شدم تقریباً هر روز یکی دو صفحه ی بزرگ از رویدادها و اثراتی که در من به جای گذاشته بودند را ثبت می کردم و برای پدر و مادرم می فرستادم. بر روی این نوشته ها تفاسیر بسیار نوشته شد که گاه نیز اثرات تصادفی بر

روی سیاست داخلی و خارجی کشور داشتند. من از میان همه‌ی آن‌ها تعدادی را به عنوان نمونه‌های مشابه‌ی زندگی نویسنده و روزگارش برگزیدم.

ضمناً دفترچه‌ی خاطراتی را نیز با خود داشتم که بیش‌ترش مربوط به ایام آغاز خدمتم بود. بزرگ‌ترین بخش این خاطرات مطالبی است که به افراد اداری مافوق خود نوشته‌ام. نامه‌ها را معمولاً به بوشهر می‌فرستادم. از آنجا نیز به اداره‌ی خارجی هندوستان فرستاده می‌شدند و سازمان مذکور نیز معمولاً به چاپ آن‌ها اقدام می‌کرد. اساس فکرم آن بود که از نامه‌های ارسالی نسخه‌ای نزد خود نگاهداری نکنم، زیرا این اسناد را متعلق به حکومتی می‌دانستم که مرا برای کار در این نواحی برگزیده بود.

از نسخه‌ی اصلی خاطرات و نامه‌هایی که به والدینم نوشته‌ام (و مادرم با صرف وقت و بدون اطلاع خودم آن‌ها را نگاهداری کرده بود) مطالبی را به هم پیوند دادم و چیزهایی درباره‌ی کارها و افکار خویش به رشته‌ی تحریر درآوردم. در حدود نصف آنچه نوشته‌ام گردآوری مجدد و تصحیح‌نشده‌ی مطالبی است که اغلب در زیر چادرهای محل سکونت‌م و در برابر نور شمعی قلم زده‌ام.

گاهگاهی جهت ایجاز و اجتناب از اطناب کلام سیر حوادث را کلاسه کرده‌ام، تفاسیر و توضیحات را با حروف بزرگ و ایجاد فاصله در میان خطوط برجسته‌تر نشان داده‌ام. قسمت زیادی از نوشته‌ها مربوط به دورانی است که عنوان افسر توپچی اسکادران ولینگتن را داشته‌ام. در این ایام به کتابخانه‌ی خود و یا کتابخانه‌های عمومی دسترسی نداشتم و طبعاً نتوانسته‌ام همه‌ی تاریخ‌های حوادث را کنترل و مطالب منقول از دیگران را دقیقاً بررسی کنم. چنانچه در بعضی موارد نوشته‌هایم حالت خودستایی دارد با اعتذار بسیار خوانندگان عزیز توجه فرمایند که اغلب آن‌ها نامه‌هایی است که برای پدر و مادرم فرستاده‌ام و در آن موقع امیدوار نبودم که در طی پنج و یا شش سال آینده آن‌ها را بیش از چند ماهی ببینم. گاهی نیز مطالب را برای دل خویش و راهنمایی خود نگاشته‌ام. تکمیل کتاب در فاصله‌ی زمانی بین تهاجم پی‌درپی به دریای شمال و سرزمین آلمان صورت گرفته است. بنابراین متن نوشته‌ها شکل کتابی را در تشریح حوادث به خود گرفته است.

اگر چنان‌که امیدوارم و آن‌طور که در ابتدای این مقدمه گفته‌ام کتابم به عنوان طرح متنی نمایشی مورد مطالعه قرار گیرد، برایم بسنده خواهد بود، همکارانم در این شش

ماهه‌ی آخر خدمتم از فرماندهان افسران پرواز، افسران و درجه‌داران خلبان، دیده‌بانان فرودگاه، بی‌سیم‌چی‌ها، تفنگداران هوایی و همه‌ی افراد پرواز تشکیل شده بودند و درباره‌ی آن‌ها همان‌طور که شاعر می‌گوید می‌توان گفت:

می‌بیند که شاخه می‌لرزد؛

ولی با مسرت آواز می‌خواند و می‌گوید:

مرا چه باک که

بال دارم، بال دارم!

از میان انبوه یادداشت‌های فراوانی که مایه‌ی تألیف این اثر بوده‌اند، آگاهی‌های جالبی در باب باستان‌شناسی، جغرافیا، مردم‌شناسی، زیست‌شناسی و گیاه‌شناسی وجود دارد. علت توجهم به این مطالب علاقه‌ی شدیدی است که از پدر و مادرم درباره‌ی تمام دیده و شنیده‌های خود به ارث برده‌ام. مسائلی چون دانش کائنات، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و قطعاتی از فولکلور و فرهنگ جاری مردمی که در میانشان بوده‌ام، صفحاتی از یادداشت‌های مرا به خود اختصاص داده‌اند. بخش بزرگی از اطلاعات گردآوری‌شده نیز حاصل نسخه‌برداری دست دوم، اما درست از اسناد کاملاً مؤثر هستند. آنچه در میان مطالب مذکور تازه و به‌دردخور هستند در طول زمان مسیر خویش را باز می‌یابند و نزد متخصصینی راه خواهند یافت که از آن‌ها به مثابه‌ی سنگریزه‌هایی که موزائیک‌سازان به کار می‌برند، استفاده خواهند کرد تا فضای خالی دانسته‌های خویش را پر کنند.

سکه‌هایی که گردآوری کرده بودم به بریتیش میوزیوم<sup>۱</sup> و یا موزه‌ی سلطنتی کلکته فرستاده شدند و در فهرست مسکوکات جای گرفتند. نمونه‌های مربوط به زیست‌شناسی در موزه‌ی تاریخ طبیعی بمبئی قرار گرفتند و در مجله‌ی منتشره از سوی آن موزه ثبت شدند. مسائل مربوط به زبان‌شناسی در گزارش‌های رسمی با علاقه و احترام حفظ شدند. فسیل‌ها و سنگواره‌ها و نمونه‌ی انواع احجار مورد بازدید ارجمندترین زمین‌شناسان قرار گرفتند. یادداشت‌های جغرافیایی و زمین‌شناسی فردی غیرحرفه‌ای

1. British museum.

چون من از مدت‌ها قبل جایگزین نظرات پیشین شده‌اند و البته امکان فراموشی آن‌ها نیز وجود دارد.

ذکر این مطلب سخن کنفسیوس را برایم تداعی کرد که می‌گوید: «آدمی از تور برای گرفتن ماهی استفاده می‌کند، اما چون ماهی به دام افتاد تور را به فراموشی می‌سپارد.» بازدید و بررسی مقدماتی من از راه‌آهن ایران بخش زیادی از یادداشت‌هایم را به خود اختصاص داده است. آن‌طور که بعداً به اثبات رسید بررسی‌های من از نظر دولت ایران ارزش چندانی نداشته است و نسبت به مسیر راه‌آهن مورد نظرم بی‌اعتنایی کرده‌اند. مسیر خورموسی - بروجرد، از طریق دره‌ی دز به جای مسیر دره‌ی کشکان انتخاب شد. مسیر جدید راه‌آهن ایران پُرخرج و باشکوه و به هر صورت نمایشگر پیروزی‌ها و پیشرفت‌های درخشان فن مهندسی و تکنیک راه‌سازی است.

مسیر دیگر مورد مطالعه‌ی من راه مستقیم شیراز به بوشهر بود که در سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۱۷ به وسیله‌ی قسمت مهندسی ارتش بریتانیا ساخته شد. این راه از آن زمان تا کنون وضع بهتری پیدا کرده است. تمام طرح‌های مربوط به ساختمان راه‌آهن از ساحل دریا به داخل ایران به فراموشی سپرده شد. از سوی دیگر میله‌گذاری مرزهای ایران و عثمانی در سال ۱۹۱۴ م. پس از تغییرات مختصری که پیدا کرده است تا کنون پا بر جا مانده است و به وسیله‌ی دولت‌های بزرگ به رسمیت شناخته شده است. در باب شرکت نفت ایران و انگلیس از بدو پیدایش تا تولد آن، من مقدم بر دیگران برای رشد سریع و بلوغ سالم آن مقاوم و کوشا بوده‌ام و توانستم در فضای محدودی که هر روزه، کارها از دستی به دستی منتقل می‌گردید، مراقبت کامل داشته باشم.

گرچه اینک من این مقدمه را در تاریک‌ترین ایام و در میان مردانی که هر روز از درون تاریکی وادی مرگ گذشته‌اند می‌نویسم، اما هنوز هم می‌توانم روحیه‌ی عالی و وفاداری آنان را عیان مشاهده کنم که برای مشاهده‌ی جریان مراحل تاریخی در فضاهای محدود قابلیت‌هایی دارند که بر اثر نور ناپایدار کور نمی‌شوند و تهدید جنگجویان آنان را گیج و سرگشته نمی‌کند.

خاندانم پیش از جنگ هم مردانی خدمتگزار بوده‌اند و به حقانیت کارهایشان ایمان داشته‌اند. ما نیز اینک در باورهایشان شریکیم، آنان پارسا بودند و ما نیز سرسپرده‌ی کلیسای بریتانیا هستیم، زیرا با روحیه‌ای شاد کار می‌کنیم و در صورت نیاز هم مرگ را

شادمانه پذیرا می‌شویم. مردانی چون کرزن<sup>۲</sup> به بهترین وجه زبان گویای ما و فردی چون کیپلینگ<sup>۳</sup> با اصیل‌ترین حالت خویش الهام‌بخش ما بودند. شاید روزی در روایاتی قومی نام بسیاری از، همپای مردانی چون راسکین<sup>۴</sup>، وردزورت<sup>۵</sup>، کوپر<sup>۶</sup>، سیلی<sup>۷</sup> و فریمن<sup>۸</sup> و نقش‌هایی که عهده‌دار بوده‌اند آورده شود. در اردوگاه‌ها سرنوشت و زندگی جان نیکلسن<sup>۹</sup>، لورنس<sup>۱۰</sup>، ربرتس<sup>۱۱</sup> را با آثاری از جان هانتز<sup>۱۲</sup> در خلال زحمتی که برای تهیه‌ی مطالب روزانه‌ی خود داشتیم مطالعه می‌کردیم. وضع ما شباهت به بردگانی داشت که تا دم مرگ برای احداث ساختمان‌ها خشت‌مالی و یا کار می‌کنند.

در خلیج فارس هرگز دینی را که نسبت به افسران نیروی دریایی و ناوگان تجاری نقشه‌برداران سابق خویش داشته‌ایم به فراموشی نخواهیم سپرد. این مردان رفتاری قهرمانانه و افسانه‌ای داشتند.

همه‌ی ما کتاب مقدس را می‌خواندیم و با تمام وجود زندگی می‌کردیم و عشق می‌ورزیدیم و می‌خندیدیم، اما همه به خوبی می‌دانستیم که برای آدمی خواه عاقل و خواه نادان، چه برده و چه آزاد، چه معمولی، چه انقلابی سرانجامی مشابه وجود دارد، پس از ما اعمالمان بر جای خواهد ماند و از روی ثمره‌ی کردارمان به روز رستاخیزی که در پیش داریم ما را داوری خواهند کرد. چه نیکوست که صالحانه و صادقانه کار کرده باشیم. تنها خداست که زندگی و عزت می‌دهد و می‌ستاند.

روزسنت جرج، ۱۹۴۰ آرنولد ویلسون

- 
2. Lord Curzon.
  3. Kipling.
  4. Ruskin.
  5. Wordswerth.
  6. Cowper.
  7. Seely.
  8. freeman.
  9. Jahn Nicholson.
  10. Lawrence.
  11. Roberts.
  12. Sir William hunter.



آرنولد تالبوت ویلسون

## مقدمه‌ی مترجم



به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه بر نگذرد

در نیمه‌ی واپسین سده‌ی نوزدهم تا پایان نیمه‌ی نخستین قرن بیستم اوج نفوذ و قدرت و بهره‌گشی امپراطوری بریتانیای کبیر در ایران به شمار می‌آید. بدون تردید سرهنگ دوم، آرنولد تالبوت ویلسون، مأمور سیاسی- اطلاعاتی آن دولت یکی از برجسته‌ترین چهره‌های خدمتگزار استعمار در این دوره‌ی تاریخی است.

مرحوم محمود محمود در کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس ضمن تشریح

قصه‌ی پُرغصه‌ی استیلای استعمار بر میهن

زنده یاد علی محمد ساکی

ما فصلی از جلد هشتم کتاب مذکور را به بررسی یادداشت‌های سیاسی مشارالیه یعنی کتاب حاضر اختصاص داده است. شادروان حسین سعادت نوری نیز پنجاه سال قبل این یادداشت‌ها را با حذف قسمت‌هایی در روزنامه‌ی مهر ایران به چاپ رسانید. سال‌ها بعد تحت عنوان سفرنامه‌ی ویلسون به صورت کتابی انتشار یافت.

در سال ۱۳۴۵ نگارنده‌ی این سطور، بخش مربوط به لرستان را جهت درج در سالنامه‌ی بهار ترجمه کرد. تقارن ایام مأموریت ویلسون با حوادث مشروطیت و خودسری ایلات و اغتشاشات داخلی، رشد فزاینده‌ی احساسات میهن‌پرستانه، رقابت‌های دول روسیه و انگلستان ویژگی‌هایی به یادداشت‌های مشارالیه داده است. انگیزه‌ی این جانب در ترجمه‌ی متن کامل کتاب صرف‌نظر از روشن کردن زوایای تاریک فعالیت بیگانگان در ایران ارتباط اثر مذکور با تاریخ سیاسی زادگاهم لرستان است.

نویسنده‌ی کتاب در هجدهم ماه ژوئیه‌ی سال ۱۸۸۴ در انگلستان دیده به جهان گشود. تحصیلات خود را در کالج کلیفتون دانشگاه نظامی سنت‌هرست به پایان رسانید.

در سال ۱۹۰۴ با درجه‌ی ستوانی عازم هندوستان شد و تا پایان سال ۱۹۰۷ م. در هنگ پیاده‌نظام سیخ به خدمت اشتغال داشت. از این سال به بعد در رأس بیست نفر از افراد سواره فوج هجدهم نیزه‌داران بنگالی ظاهراً برای تقویت گارد کنسولگری و عملاً جهت حمایت نظامی گروه حفاران کانادایی شرکت نفت دارسی وارد ایران شد. همزمان با ورود او سرگرد لوریمر نایب کنسول مقیم اهواز به مرخصی رفت و از سوی مازور کاکس کنسول بریتانیا در بوشهر و خلیج فارس به سمت کفیل ویس کنسولی اهواز برگزیده شد.

لیاقت و استقامت و هوشمندی‌اش موجب شد کمی بعد برای معاونت دوم کنسولگری بوشهر پیشنهاد شود، ولی وزارت خارجه مخالفت کرد. اندکی بعد به علت تشدید فعالیت‌های نفتی و موقعیت خاص خرمشهر به عنوان بندر مهم وارداتی وجود مأموری که بتواند با سران ایالت لر و بختیاری و عرب و بویراحمدی به مذاکره پردازد ضروری می‌نمود و به جای آقای ماک داول کنسول کهنسال خرمشهر برگزیده شد.

سفرهای ویلسون در جهت تحکیم موقعیت کشورش در میان طوایف جنوب غربی ایران و تهیه‌ی نقشه‌ها و گزارش‌های اطلاعاتی لازم، قسمت عمده‌ی ایام اقامت او در ایران را به خود اختصاص داد. سرانجام از محمره به بوشهر رفت و به عنوان دستیار آقای کاکس به کار پرداخت و در کمیسیون مرزی ایران و ترکیه نیز عضویت یافت. پس از شروع جنگ بین‌الملل اوّل با درجه‌ی سروانی به ارتش پیوست. در نیروهای مهاجم خاورمیانه‌ای بریتانیا برای وصول به عماره و تصرف بغداد راهنمای قوا بود. پس از پایان جنگ بین‌الملل و خدمات سیاسی در بین‌النهرین از طرف شرکت نفت ایران و انگلیس به مدیریت یکی از تشکیلات شرکت انتخاب گردید.

در سال ۱۹۳۳ به عضویت مجلس عامه برگزیده شد و به محض اعلام آغاز جنگ جهانی دوم با درجه‌ی سرهنگ دومی خود را به صفوف ارتش و در نیروی هوایی معرفی کرد. در ماه مه سال ۱۹۴۰ م. زندگی را بدرود گفت.

صرف‌نظر از جنبه‌های گزارشگری و فعالیت‌های جاسوسی، کارهای تحقیقاتی‌اش علمی و منصفانه و توأم با بی‌غرضی است. آداب و سنن طوایف ایرانی نه تنها موجب بروز احساسات تحقیرآمیزش نشده است؛ بلکه همواره آن‌ها را از دیدگاه یک پژوهنده با سنن ملت خویش تطبیق و در توجیه خردمندی تاریخی ملت کهنسال ایران و تمدن آن

کوشیده است. چنان تحت تأثیر جاذبه‌های فرهنگی این کشور قرار گرفته است که ایرانی را از ملل دیگر خاورمیانه چون هندی‌ها و اعراب و ترک‌ها برتر می‌شمارد. با آن که خود مسیحی است در مقایسه‌ی پیروان تشیع و هندی‌ها می‌گوید: «بر خلاف هندی‌ها، ایرانی جسارت و دلیری خاص دارد و این امر مدیون تربیت مذهبی آن‌ها است. نظر به این که هر مذهبی که عکس‌العمل منفی و هراس کم‌تری را در پیروانش ایجاد کند، ارزش بیش‌تری دارد، من مذهب ایرانیان را تحسین می‌کنم.»

این مرد به علت حُسن خُلق و خونسردی و معرفت و احترامش نسبت به فرهنگ در دیدگاه سران ایلات منزلتی ارجمند داشت و با وجود گذشت سالیان درازی از دوران مأموریتش همواره با نیکی از درایت و اخلاص و فداکاری‌اش یاد می‌شد. ویلسون مردی سخت‌کوش و تیزهوش و دارای تربیت مذهبی نیرومندی بود. نسبت به مفاخر علمی و اجتماعی ایران احترامی توأم با شیفتگی مبذول می‌داشت. گرچه به مداخله‌ی نظامی در ایران معتقد نبود، ولی طرفدار ایرانی مقتدر و وابسته به سیاست انگلستان بود. با ایجاد رژیم پارلمانی در کشورهای خاورمیانه و ادامه‌ی حیات سیاسی دودمان قاجار موافقتی نداشت. ضمن تعیین مسیر راه‌آهن ایران و بررسی توسعه‌ی فعالیت‌های بازرگانی بریتانیا پی برد که تلون و تشتت رأی و وطن‌پرستی ذاتی سران ایلات، عدم توانایی حکام و والیان مانع اصلی وصول کالاها از راه دریا به مرکز ایران است، به همین جهت طی گزارش‌های مبسوطی ایجاد حکومت مرکزی قوی و قلع و قمع رؤسای عشایر را با کمک چنان حکومتی توجیه و توصیه می‌کرد. رفتار سران لر در تعهداتشان برای حفظ جان و مال نقشه‌برداران خارجی و طمع‌ورزی‌هایشان برای راهداری کاروان انگلیسی شرکت لنینچ موجب شد که بر لزوم ایجاد حکومت نیرومند مرکزی و در هم شکستن قدرت این گردنکشان بیش‌تر تأکید شود.

سران لر که بر خلاف خوانین بختیاری، حاضر به همکاری با انگلستان در چارچوب قراردادی خاص و عهده‌دار شدن تعهداتی مشخص نشدند، کمی پس از ناکامی انگلیسی‌ها در اعزام هیأت‌های مربوط به راه‌آهن، گرفتار قدرت و تدبیر حکومت مرکزی شدند و بر سر این سودا جان باختند و یکی بعد از دیگری بر سر دار رفتند. حوادث خونین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۸ لرستان را نمی‌توان از برنامه‌های سیاسی وزارت خارجه‌ی انگلستان مجزا دانست. تلاش‌های ویلسون در تحقق بسیاری از خواسته‌های

مسئولان کشورش موجب شد که بارها مورد تقدیر قرار گیرد و به اخذ نشان‌هایی نائل شود که اهم آن‌ها عبارتند از: مدال خاطرات مک گریگور، نشان فرماندهی امپراطوری هندوستان، نشان خدمات ممتاز و لیاقت، نشان سن ژان اورشلیم. صرف‌نظر از افتخارات اداری و سیاسی که نصیبش گردید در زمینه‌ی تحقیقات و مطالعات اجتماعی مقام شایسته‌ای پیدا کرد و مهم‌ترین آثار بازمانده از او عبارتند از:

۱. مقالاتی در مجله‌ی جغرافیایی سلطنتی انگلستان؛
  ۲. فرهنگ جغرافیایی جنوب غربی ایران؛
  ۳. خلیج فارس؛
  ۴. فهرست کتاب‌های چاپ‌شده‌ی مربوط به ایران؛
  ۵. ایران نو؛
  ۶. تاریخ انگلستان از قرن نوزدهم به بعد؛
  ۷. مقالاتی درباره‌ی بین‌النهرین؛
  ۸. غوغای قانون‌گرایی؛
  ۹. کانال سوئز؛
  ۱۰. رفتارها و گفتارها؛
  ۱۱. بیمه‌ی صنعتی؛
  ۱۲. اصلاح مراسم تدفین؛
  ۱۳. پاداش کارگران؛
  ۱۴. شناخت زندگی ارتشی و اداری؛
  ۱۵. رشادت و دلاوری؛
  ۱۶. جنوب غربی ایران؛
  ۱۷. مقالات متعدد تحقیقی مندرج در روزنامه‌ها.
- در خاتمه وظیفه دارم از راهنمایی و مساعدت دانشمند محترم جناب آقای ایرج افشار<sup>۱</sup> سپاسگزاری نمایم.

علی‌محمد ساکی

---

۱. در آن تاریخ این استاد فرهیخته، ایرج افشاریزدی، در قید حیات بودند.